

ساختار فوتبال من در آوردی است

چهره‌اش مانند دبیرهای سختگیر ریاضی بود. سر طاس، موهای کم پشت کنار گوش و ریش پرفسوری. نامش، خاص بودنش را دوچندان می‌کرد: عبدالعلی چنگیز. شما که غریبه نیستید؛ مصاحبه با چنگیز راحت‌تر از آنچه فکرش را می‌کردم جور شد. البته تصمیم برای گفت‌وگو با او، داستان امروز و دیروز نبود و سابقه‌های بلندمدت داشت اما درست زمانی که فکرش را هم نمی‌کردم، مصاحبه جور شد تا گفت‌وگویی را با بازیکن سالهای دور استقلال و ذوب آهن که سالهاست در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به مربیگری اشتغال دارد، ترتیب بدهیم. پیشنهاد بایرن مونیخ و آث میلان برای لژیونر شدن، ماجرای استعفای ۱۴ بازیکن تیم ملی پس از مسابقات جام ملت‌های ۱۹۸۴ سئول، عضویت در هیات مدیره باشگاه ذوب آهن و دوری از فوتبال ایران... سوالاتی بودند که برای گرفتن جواب آنها هشت سال حوصله به خرج دادم؛ پس به من حق بدهید که حسابی ذوق زده باشم



✘ **چطور شد که حاضر شدید در لیگ قطر بازی کنید؟ اینطور به نظر می‌رسد که به خاطر قرارداد مالی خوب این پیشنهاد را قبول کردید؟**

فصل اولی که باشگاههای قطری بازیکن خارجی می‌گرفتند، به بازیکنان ایرانی زیادی پیشنهاد بازی دادند و من به همراه محمدخانی، شاهین و شاهرخ بیانی، قاسمپور و قلعه نویی به لیگ قطر رفتیم. بحث مالی قابل توجهی در میان نبود اما به نسبت هم پول خوب می‌دادند. قطری‌ها تماشاگر فوتبالی نداشتند و برای جذب تماشاگر سرمایه گذاری می‌کردند که به خدمت گرفتن بازیکنان ایرانی هم برای جذب بیشتر تماشاگر بود.

✘ **سر کم مو و ریش پرفسوری ظاهر متمایزی از عبدالعلی چنگیز در بین فوتبالیستهای دهه شصتی ایجاد کرده بود. با قصد و منظور این ظاهر را انتخاب کرده بودید؟**

من از روز اولی که فوتبال را شروع کردم، توجهی به این مسائل نداشتم. من عاشق فوتبال بودم و تمام تمرکزم را روی بازی گذاشته بودم و دنبال این نبودم که چهره متمایزی داشته باشم. همیشه ریش پرفسوری نمی‌گذاشتم و تغییراتی در چهره‌ام داشتم.

✘ **ماجرای مربوط به استعفای ۱۴ بازیکن تیم ملی که بعد از بازیهای آسیایی رخ داد، یکی از ابهامات بزرگ تاریخ فوتبال ایران است.**

مسائلی در اردوی تیم ملی رخ داد که اتفاقات درون خانوادگی بود و نباید به بیرون درز پیدا می‌کرد. بلکه باید در درون خانواده مسائل و مشکلات را حل و فصل می‌کردند. متأسفانه یک خبرنگار در جریان مسائل داخلی تیم قرار گرفت و ما را رسانه‌ای کرد، شاید اشکال از ما بود که پیش بینی این اتفاق را نکرده بودیم.

✘ **اما بعدها از آن جمع ۱۴ نفره، بازیکنانی به تیم ملی برگشتند اما برای شما این اتفاق رخ نداد؟** من حساسیت بالا بود و کار دستم داد. اگر شخصیت فعلی را داشتم. به سادگی عین دریل زدن بازیکن روبرویی از آن رد می‌شدم. بعدها که بزرگتر شدیم،

✘ **فکر می‌کنید اگر موقعیت فراهم شده بود و به تیم آث میلان رفته بودید، با عبدالعلی چنگیز فعلی چه تفاوتی داشتید؟**

گذشته‌ها دیگر گذشته و افسوس خوردن فایده‌ای ندارد. موقعیت و بازیکنان امروزی را که می‌بینم، حسرت می‌خورم، البته بحث غرور نیست؛ بلکه استعداد خدادادی بود و می‌توانستم در سطح اول فوتبال دنیا بازی کنم زیرا سرعت و مهارت را با هم داشتم. مهارت من در ضربات قیچی زبانزد بود. ما عملاً مجانی فوتبال بازی می‌کردیم. من لیسانس تربیت بدنی دارم اما در مدرسه و دانشگاه درس زیادی از جمله زبان انگلیسی و قرآن تدریس می‌کردم و معلم حق التدریس بودم.

✘ **از شما به عنوان متخصص حرکات آکروباتیک یاد می‌شود؛ به قول خودتان استعداد ذاتی بود یا اینکه تمرین داشتید؟**

من در زمان کودکی به قیچی زدن علاقه زیادی داشتم و همیشه در منزل تشک می‌انداختم و ضربه قیچی تمرین می‌کردم که شیشه‌های زیادی را هم شکستم. البته آن موقع مطبوعات و رسانه‌ها گسترده‌تری نداشتند و ما دیده نمی‌شدیم و حتی هیچ فیلمی از دوران بازی‌ام ندارم. ما مجانی فوتبال بازی می‌کردیم و وقتی وارد بازی می‌شدیم، به عشق مردم بازی می‌کردیم. اما بیرون زمین از بالا و پایین شهر گرفته، همه مرا می‌شناختند و مورد توجه بودم. بعدها که به استقلال رفتم، در کل ایران شناخته شدم و بعدها با حضور در مسابقات برون مرزی و بین‌المللی، در آسیا دیده شدم و اسمم سر زبانها افتاد.

✘ **از پرسپولیس پیشنهادی نداشتید؟** قبل از انقلاب، دلالت پرسپولیس سراغم آمده بود و می‌خواست مرا به این تیم ببرد اما مدیران وقت ذوب آهن گفته بودند خودمان به این بازیکن نیاز داریم. من زمینه جام جهانی داشتم و ترسم از تیمهای بزرگ ریخته بود زیرا در رده جوانان با تیمهای برزیل و ایتالیا و در رده امید با فرانسه بازی کرده بودم.

✘ **سالها دوری از فوتبال ایران موجب شده تا شناخت کمی از عبدالعلی چنگیز داشته باشیم. از ورود جدی به فوتبال شروع کنیم.**

حضور جدی من در فوتبال به زمانی باز می‌گردد که در تیم مدرسه ادب اصفهان بازی می‌کردم. مدارس همواره بهترین محل برای انتخاب ورزشکاران مستعد است و در آن زمان دانش آموزان جذب رشته‌های مختلف می‌شدند. بازیکنان ذوب آهنی زیادی همانند کربکندی و شجاعی در مدرسه ادب درس می‌خواندند و در همان دوران دبیرستان بود که لیادین مرا برای بازی در تیم ذوب آهن انتخاب کرد.

✘ **موقعیتی برای لژیونر شدن شما پیش نیامد؟** اتفاقاً من در زمان اوجم، از تیمهای هانوفر و بایرن مونیخ و حتی آث میلان ایتالیا پیشنهاد داشتم. بعد از بازیهای آسیایی ۱۹۸۲ دنبال آمدن اما آن زمان فدراسیون فوتبال نبود که بخواهم کارهای اداری مربوط به رفتن را انجام بدهم و سفارت هم ویزا صادر نمی‌کرد و این موقعیت را از دست دادم.

